



دانشکده علوم انسانی

مرکز تهران جنوب

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته

زبان‌شناسی همگانی

گروه زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی

مقایسه شیوه املای مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی و شیوه املای غالب در متون فارسی معاصر

ملیحه نصیریان

استاد راهنما:

دکتر شهرام مدرس خیابانی

استاد مشاور:

دکتر بلقیس روشن

شهریور ۱۳۹۱

## چکیده

پژوهش در مورد خط فارسی، تاریخچه‌ای کهن دارد و از دیرباز مورد بررسی و توجه دانشمندان و محققان مربوط به این رشته بوده است. خط فارسی یکی از ابزارهای نیرومندی است که می‌تواند به اشاعه فرهنگ و ادبیات فارسی کمک کند اما مشکلاتی مانند نداشتن علامت برای واژه‌ها، مشابهت حرف‌ها، تعداد شکل‌ها و تنوع املائی موانعی برای گسترش شایسته این خط می‌باشد. پیوسته‌نویسی و جدانویسی مشکل دیگری است که نویسندگان را دچار سردرگمی و شبهه می‌کند. برخی این مورد را به انعطاف‌پذیری خط فارسی نسبت می‌دهند. در این پژوهش تلاش داریم تا با بررسی دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مقایسه آن با گرایش نوشتاری مردم به ارائه پیشنهادی برای تعدیل این انعطاف‌پذیری و دستور خط دست‌یابیم. پیکره مورد بررسی، آماری از بسامد واژه‌های به کار برده شده در روزنامه‌ها، مجله‌ها و مقاله‌ها بدست می‌دهد. بر اساس مطالعات انجام شده روی پیکره حاضر که شامل ۱۰،۱۳۶،۴۱۵ نماد و ۱۵۴،۵۹۵ نوع است، به این نتیجه نائل آمدیم که استفاده از واژه‌های مصوب، هشت برابر بیشتر از واژه‌های غیرمصوب بوده و میان این دو اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی فارسی:

شیوه املائی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، زبان فارسی، پیکره زبانی

|                            |    |
|----------------------------|----|
| فهرست مطالب                | أ  |
| چکیده فارسی                | د  |
| ۱- مقدمه                   | ۱  |
| ۱-۱- بیان موضوع            | ۲  |
| ۲-۱- اهمیت پژوهش           | ۳  |
| ۳-۱- پرسش‌های پژوهش        | ۳  |
| ۴-۱- فرضیه‌ها              | ۳  |
| ۵-۱- هدف‌ها                | ۴  |
| ۶-۱- روش پژوهش             | ۴  |
| ۷-۱- ساختار پژوهش          | ۶  |
| ۲- پیشینه پژوهش            | ۷  |
| ۱-۲- نتیجه فصل             | ۲۴ |
| ۳- مبانی نظری              | ۲۵ |
| ۱-۳- تعریف پیکره           | ۲۶ |
| ۲-۳- پیکره از دیدگاهی نظری | ۲۸ |
| ۳-۳- انواع پیکره           | ۳۱ |
| ۴-۳- زبان‌شناسی پیکره‌ای   | ۳۳ |
| ۵-۳- پیکره مورد استفاده    | ۳۶ |
| ۴- تحلیل داده‌ها           | ۳۷ |
| ۱-۴- مقدمه                 | ۳۸ |

- ۴۰-۲-۴- دستورالعمل فرهنگستان.....
- ۷۴-۳-۴- واژه‌هایی با چند صورت املائی.....
- ۷۴-۴-۳-۱- واژه‌های دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار.....
- ۷۵-۴-۳-۲- واژه‌های اعلام دارای دو یا چند صورت املائی.....
- ۷۷-۴-۴- بررسی فراوانی و شکل‌های نوشتاری واژه‌ها.....
- ۷۹-۴-۵- بررسی و مقایسه میزان تطابق صورت املائی واژه‌ها با صورت‌های مورد تأیید فرهنگستان.....
- ۸۰-۴-۵-۱- گروه درصد برابر واژه‌های مصوب و غیرمصوب.....
- ۸۲-۴-۵-۲- گروه درصد بیشتر برای واژه‌های مصوب.....
- ۸۳-۴-۵-۳- گروه درصد بیشتر برای واژه‌های غیرمصوب.....
- ۸۶-۵- نتیجه‌گیری.....
- ۸۷-۵-۱- مقدمه.....
- ۸۷-۵-۲- بررسی پرسش‌های پژوهش.....
- ۸۹-۵-۳- دستاوردهای پژوهش.....
- ۹۲-۵-۴- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی.....
- ۹۳- فهرست منابع.....
- ۹۷- پیوست یک- فهرست کلیه واژه‌ها به همراه صورت مصوب مشخص شده و بسامد.....
- ۱۴۸- پیوست دو- نتایج آزمون برای مقایسه درصد واژه‌های مصوب و غیر مصوب.....

پیوست سه - نتایج آزمون برای درصدهای بیشتر مصوب در مقایسه با غیر مصوب.....۱۵۲

پیوست چهار - نتایج آزمون برای درصدهای بیشتر غیر مصوب در مقایسه با مصوب....۱۵۷

چکیده انگلیسی.....۱۶۱

١- مقدمه

## ۱-۱- بیان موضوع

"مسئله اصلاح خط فارسی یکی از مسئله‌هایی است که مدت‌ها است ذهن علاقه‌مندان به این موضوع در ایران را مشغول کرده است. شاید میرزاملکم خان را بتوان پیشقدم این راه شمرد. پس از او دیگران نیز در این باب در رساله‌ها و مقاله‌ها، به تفصیل یا اجمال، مطلب‌هایی گفته و نقص‌های خط فارسی را برشمرده‌اند" (ناتل خانلری، ۱۳۶۷، ص ۶). در این پژوهش با بررسی تاریخچه خط فارسی به بررسی ایرادهای وارد شده در این خط می‌پردازیم.

نداشتن علامت برای واژه‌ها یکی از مشکلات این خط است. خطی که امروز در نوشتن فارسی به کار می‌رود، برای واژه‌های کوتاه در فهرست الفبا، نشانه‌ای ندارد و حرکت‌ها را که بالا و پایین حرف‌ها گذاشته می‌شود، به سبب زیادی نقطه، در نوشتن و حروف چینی چاپ نمی‌توان به کار برد. نتیجه آن که هر واژه را به چندین وجه مختلف می‌توان خواند و درک تلفظ صحیح از روی صورت مکتوب واژه‌ها، دشوار است.

مشکل دیگر مشابهت حرف‌ها است. برخی از حرف‌های خط فارسی چه در صورت مجرد و چه در شکل ترکیبی، بسیار با هم مشابهت دارند و تنها مایه امتیاز آن‌ها نقطه است. زیادی نقطه، کار خواندن و نوشتن را دشوار می‌کند و موجب اشتباه خواننده می‌شود.

تعداد شکل‌ها موضوع دیگری در این حوزه است. هر حرف در خط امروز ما شکل‌های مختلف دارد و به حسب آن که در اول، وسط و یا آخر واژه واقع شود صورتی دیگر می‌پذیرد. پس نوآموز باید برای هر حرف چند شکل مختلف بیاموزد و این امر موجب دشواری تعلیم خط و زبان فارسی شده و مانع گسترش سواد است.

از سوی دیگر قاعده‌های گوناگون املا نیز که اغلب از زبان عربی اقتباس شده بر این دشواری‌ها می‌افزاید. به عنوان نمونه در واژه‌هایی مانند "عیسی" و "موسی" حرف "ی" به صورت "ا" خوانده می‌شود، و در نوشتن در واژه‌هایی مانند "اسمعیل" و از این قبیل، "الف" نا مکتوب به چشم می‌خورد. مثال‌هایی از این قبیل، آموختن خط فارسی را چنان مشکل کرده که جوانان ما حتی در دانشگاه نیز از آموختن شیوه نوشتن فراغت نمی‌یابند.

با توجه به نقص‌های موجود در خط فارسی، در موردهایی شاهد تنوع صورت‌های املائی هستیم که اهل زبان را بر سر دو راهی و گاهی چندراهی قرار می‌دهد، به طوری که وی به ناچار مجبور به انتخاب شده و یکی از صورت‌ها را بدون استدلال برمی‌گزیند. از این رو بر آن شدیم، گرایش اهل زبان را در نوشتن واژه‌ها با توجه به

دستورالعمل فرهنگستان زبان و ادب مورد بررسی قرار دهیم تا در هنگام وضع قانون‌های نوشتاری موضوع "گرایش اهل زبان" نیز مد نظر قرار گیرد.

### ۲-۱- اهمیت پژوهش

تاکنون پژوهشی این گونه که مبتنی بر دستاوردهای پیکره‌بنیاد باشد صورت نگرفته‌است. در این تحقیق به بررسی اصلاح ساختار و معیارسازی نظام نوشتاری زبان فارسی با توجه به گرایش نگارندگان خط فارسی پرداخته شده است که نتایج آن می‌تواند مورد استفاده فرهنگستان زبان و ادب فارسی قرار گیرد. همچنین شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در صورت نیاز می‌تواند از دستاوردهای آماری این پژوهش بهره جوید.

### ۳-۱- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در پی آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱- میان شکل‌های نوشتاری یک واژه، فراوانی کدام صورت‌ها بیشتر است؟

۲- صورت املایی مورد استفاده فارسی‌زبانان تا چه میزان همسو با دستور العمل نگارش فرهنگستان زبان و ادب می‌باشد؟

### ۴-۱- فرضیه‌ها

پژوهش حاضر بر اساس فرضیه‌های زیر صورت می‌گیرد:

۱- میان شکل‌های مختلف نوشتاری یک واژه، فراوانی صورت‌هایی که سرهم نوشته می‌شود بیشتر است.

۲- صورت املایی مورد استفاده فارسی‌زبانان غالباً با آنچه مورد تایید فرهنگستان است، فرق دارد.

### ۵-۱- هدف‌ها



هدف‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱- مشخص کردن واژه‌هایی با صورت‌های نوشتاری متفاوت

۲- مقایسه فراوانی صورت‌های املائی فارسی‌زبانان در واژه‌هایی با شکل‌های نوشتاری متنوع و صورت‌های

املائی مصوب فرهنگستان

### ۱-۶- روش پژوهش

پیکره مورد استفاده، بخشی از پیکره ارائه شده توسط "پژوهشکده پردازش هوشمند علائم" به نام "دادگان زبان فارسی" است. "این پیکره شامل ۱۰۱۳۶۴۱۵ نماد<sup>۱</sup> است که از ۱۵۴۵۹۵ نوع<sup>۲</sup> تشکیل شده است" (مدرس خیابانی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸). با استفاده از این دادگان، صورت‌های مختلف نگارش واژه‌های مصوب فرهنگستان استخراج می‌شود، بدین صورت که ابتدا صورت‌های مورد نظر فرهنگستان را در پیکره جستجو می‌کنیم و سپس فراوانی صورت‌های نوشتاری مختلف آن را مقایسه خواهیم کرد. در نهایت به کمک ابزار آماری، تفاوت‌ها مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم به ذکر است که پیکره مورد نظر از واژه‌های برگرفته از مطبوعات تشکیل شده است. به منظور روشن‌تر شدن موضوع می‌توان به عنوان نمونه به موردهای زیر اشاره کرد:

جدول ۱-۱

| واژه  | صورت مصوب | تعداد |
|-------|-----------|-------|
| آذوقه | *         | ۲۶    |
| آزوقه |           | ۰     |
| آروغ  | *         | ۳     |
| آروق  |           |       |
|       |           |       |

<sup>۱</sup>token

<sup>۲</sup> type

|      |   |      |
|------|---|------|
| ۹۵۸۶ | * | آقا  |
| ۱۰۰  | * | آغا  |
|      |   |      |
| ۱۲۶۳ | * | اتاق |
| ۲۵۰  |   | اطاق |
|      |   |      |
| ۴۸   | * | اتو  |
| ۱۷   | * | اطو  |

در جدول‌های آمده در این پژوهش برای نشان دادن صورت مصوب فرهنگستان از نشانه \* استفاده شده است و در مواردی که \* برای دو واژه پشت سر هم آمده است، هر دو واژه مورد تأیید فرهنگستان است. جدول ۱-۱ به عنوان نمونه‌ای از کلیه جدول‌هایی است که به سه گروه زیر تقسیم شده‌اند: گروه اول شامل واژه‌هایی که درصد استفاده از واژه‌های مصوب و غیرمصوب تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ گروه دوم شامل واژه‌هایی که درصد استفاده از واژه‌های مصوب به طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های غیرمصوب بوده است؛ و گروه سوم شامل واژه‌هایی که درصد استفاده از واژه‌های غیرمصوب به طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های مصوب بوده است.

#### ۱-۷ - ساختار پژوهش

رساله حاضر در پنج فصل تنظیم شده است. در فصل اول یعنی فصل حاضر، به بیان موضوع، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و روش پژوهش پرداخته شده است. فصل دوم مروری بر پیشینه تحقیق درباره تاریخ خط فارسی و پژوهش‌های انجام شده در زمینه تغییر و یا اصلاح خط می‌باشد. در فصل سوم مبانی نظری تحقیق توضیح داده شده است. فصل چهارم در باب ویژگی‌های پیکره و نمونه‌هایی از دادگان تنظیم شده است. فصل پنجم نتیجه حاصل از پژوهش حاضر را در اختیار می‌گذارد. شایان ذکر است که نمونه‌های کلی دادگان در چهار پیوست به صورت جامع آمده است.

۲- پيشينه پژوهش

پیرو مطالبی که در مقدمه ذکر شد، در بخش حاضر مروری بر پیشینه پژوهش خواهیم داشت. در این بخش به کارهایی اشاره شده است که پیرامون اصلاح یا تغییر خط و مشکلات خط انجام شده است.

مفصل‌ترین و مهم‌ترین نوشته‌های پارسی ایران باستان از داریوش یکم است که بیشتر همراه دو متن بابلی و عیلامی است. از دوران پیش از او تنها پنج سنگ‌نوشته کوتاه به دست آمده است که دو مورد آن از کوروش دوم، نخستین پادشاه هخامنشی، است. همه این سنگ‌نوشته‌ها به خط میخی است. پس از آن، سنگ‌نوشته‌های بسیاری از دیگر پادشاهان هخامنشی بر جای مانده که به خط میخی است و تاکنون همه آنها خوانده و ترجمه شده است. خط میخی ایران باستان، از خط سومری گرفته شده و برای زبان فارسی ساده و مناسب شده است. این خط دارای ۲۶ حرف است و نشانه‌هایی ویژه نیز برای عددها دارد. از زبانی که در دوران اشکانیان به کار می‌رفته، و دکتر خانلری آن را زبان پهلوانیک خوانده است، نوشته‌ای به دست نیامده است مگر چند سکه که روی آنها به خط یونانی نوشته شده است. چنانکه می‌دانیم، اشکانیان پس از انقراض یونانیان بر سر کار آمدند و تا چندی خط یونانی به کار می‌رفت و روی سکه‌ها نام و لقب‌های شاهان اشکانی به خط یونانی نوشته می‌شد؛ اما همین که سلطه این فرمانروایان پا بر جا شد، برای نوشتن سندهای رسمی خط ویژه‌ای به کار گرفته شد که از خط آرامی ریشه گرفته بود. این خط پهلوی خوانده شد و در دوره ساسانیان با اندک تفاوتی به کار رفت. هیچ سندی در دست نیست تا از روی آن بتوان گفت که خط آرامی در چه زمانی و به دست چه کسانی تحول یافته و به خط پهلوی منتهی شده است. این قدر می‌توان دانست که این تحول کار یک یا چند تن نبوده و به تدریج انجام گرفته است. گذشته از انواع خط‌هایی که پهلوی خوانده می‌شود، برای نوشتن زبان‌های ایرانی چند خط دیگر به کار می‌رفته که ظاهراً همه از اصل آرامی مشتق بوده‌اند. از آن جمله بوده است خط مانوی (شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۴، ص ۱).

بنا به گفته رفر (۱۳۸۸، ص ۱۲) الفبای فارسی در آغاز به صورت ابجد، مردف بوده است و بسیاری از خط‌های دیگر، از جمله خط لاتین هم که برآمده و برگرفته از خط‌های کهن هستند، هنوز بر همان ردیف «ابجد» و «هوز» استوارند. "تغییر شکل الفبای فارسی در طی سده‌های متوالی و به منظور ساده شدن صورت گرفته است و در نهایت حرف‌های همسان از نظر صورت و ردیف صوتی در کنار هم قرار گرفت و به شکل نوشتاری امروزه تبدیل شد" (رفر، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

آرین‌پور (۱۳۸۹، ص ۱) می‌نویسد: "میرزا فتح‌علی آخوندزاده، نویسنده شهیر آذربایجان، نخستین کسی است که با یافتن عیب‌های الفبای ملت‌های شرقی، رساله‌هایی در این باب نوشته است. آخوندزاده که به زبان‌های

شرقی و فرهنگ جهان آشنایی به سزائی داشت، در صدد برآمد که الفبای عربی را اصلاح و آن را برای نیازهای مردم ترک‌زبان و فارسی‌زبان مناسب سازد. وی در سال ۱۲۳۶ خورشیدی از تنظیم نخستین الفبای اختراعی خود که یک الفبای بدون نقطه با حرف‌های متصل بود فراغت یافت و رساله‌ای نیز برای پیشنهاد کردن این الفبا به جای الفبای عربی فراهم آورد. سال ۱۳۰۳ قمری، مستشارالدوله رساله بسیار مفیدی با عنوان «اصلاح خط اسلام» نوشت و در تهران چاپ کرد. پس از جنگ جهانی اول و انقلاب بزرگ اکتبر، مسئله تغییر الفبا و به وجود آوردن خطی که پیشرفت و تعمیم علم و دانش را در میان توده وسیع مردم تسهیل کند، در کشورهای اسلامی (یعنی کشورهایی که تحت لوای فرهنگ و خط اسلامی به سر می‌بردند) مطرح گردید. در همین زمان فارسی‌زبانان بسیاری در اقصی نقاط جهان برای بهبود خط تلاش کردند، که از آن میان میرزا علی‌اصغر خان طالقانی، سعید نفیسی، رشید یاسمی، سید حسن تقی‌زاده و میرزا ابوالقاسم آزادمرغی را می‌توان نام برد" (آرین‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱).

سال ۱۳۳۸ خورشیدی انجمنی به نام «انجمن اصلاح خط» به ریاست سعید نفیسی در تهران تشکیل یافت و الفبایی پیشنهاد کرد و در جراید و رادیو توضیحاتی درباره نقص الفبای کنونی فارسی و لزوم تغییر آن داد. این انجمن، اصلاح خط فارسی را مهمترین اصلاح اجتماعی در ایران می‌دانست، ولی معتقد بود که این قبیل اصلاحات مهم و جاودانی را نباید با قوه قهریه عملی کرد، زیرا در آن صورت واکنش مردم شدیدتر می‌شود و نتیجه مطلوب به دست نمی‌آید، بلکه باید فکر مردم را با منطق قوی و دلایل محکم حاضر کرد و هر روز بر عده هواخواهان آن افزود تا همه افراد ملت پشتیبان آن گردند. انجمن اصلاح خط تلاش‌هایی را جهت اصلاح خط فارسی با معادل‌های لاتین انجام می‌داد که از آن جمله می‌توان به مقاله "الفبای لاتین برای زبان فارسی" اشاره کرد. در این مقاله آمده است که حرف‌هایی که برای الفبای فارسی اختیار خواهد شد، باید از میان حرف‌های لاتین رایج و موجود در چاپ‌خانه‌های دنیا انتخاب شود و حرف‌های مرکب و دارای علامت‌ها، حتی‌الامکان در آن نیاید و همچنین همه حرف‌هایی که هم‌صدا هستند تنها با یک حرف نشان داده شود (همان‌جا).

سال ۱۳۴۴ موضوع تغییر خط فارسی در دو مجله پایتخت، یعنی «روشنفکر» و «سپید و سیاه» مطرح شد و در مجله‌های دیگر هم مطرح شد و افراد موافق و مخالف درباره آن اظهار نظر کردند. در این زمینه مقاله‌های دکتر رحمت مصطفوی، مدیر مجله روشنفکر، بسیار چشمگیر بود. اصلاح خط فارسی از سال ۱۳۱۴ به بعد در فرهنگستان زبان و ادب فارسی با جدیت بیشتری پیگیری شد. فرهنگستان اول؛ ۱۳۱۴ تا ۱۳۳۳، فرهنگستان دوم؛ ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۰ و فرهنگستان سوم از ۱۳۶۹ تا کنون در این زمینه به فعالیت می‌پردازد. از

مهمترین اقدامات فرهنگستان، چاپ کتابی با نام "دستور خط فارسی" است که رهنمودهایی را برای رسم الخط فارسی ارائه کند. چاپ چهارم دستور خط فارسی در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است (همان جا).

اعتضام‌زاده (۱۳۰۴، صص ۲۴۸-۲۴۹) طی مقاله‌ای نظر خود را درباره خط فارسی اینگونه بیان می‌کند که: "در اینکه خط نسخ که بهترین و خواناترین خط معمولی ایران است، بسیار معیوب و ناقص و محتاج به اصلاح است، گمان نمی‌کنم هیچ کس تردیدی داشته باشد. این عیب‌ها را همه می‌شناسیم:

اولاً - شکل‌های مختلف حرف‌ها که جداگانه یا در ابتدا یا وسط یا آخر واژه نوشته می‌شود

ثانیاً - کثرت نقطه‌ها

ثالثاً - تشابه حرف‌ها

رابعاً - داخل نبودن اعراب در واژه‌ها

خامساً - اتصال بعضی حرف‌ها به همدیگر و عدم اتصال برخی از آنها" (اعتضام‌زاده، ۱۳۰۴، صص ۲۴۸-

۲۴۹)

بهمن‌یار (۱۳۲۲، ص ۴۴) درباره کلیت خط می‌نویسد: "سخن نماینده فکر است و فکر، انسان است. پس اگر بگوییم انسان جز سخن نیست سخنی مطابق با واقع و حقیقت گفته‌ایم. اندیشه آدمی که جهان کوچکش خوانده‌اند از جهان بزرگ مایه می‌گیرد و از شناختن اعیان موجودات، معانی و صورتی در ذهنش نقش می‌بندد و تنها چیزی که این صور و معانی را با کمال دقت و درستی حکایت می‌کند سخن است، و بهترین و کامل‌ترین نماینده سخن، خط یا نوشته است" (بهمن‌یار، ۱۳۲۲، ص ۴۴). وی به بیان اهمیت نقش فرهنگستان در رفع نقص‌های خط فارسی می‌پردازد و می‌افزاید: "فرهنگستان ایران برحسب ظاهر عهده‌دار حفظ و تلاش در ترقی و توسعه زبان و آثار علمی و ادبی فارسی است و مقامی بس بلند و وظیفه و تکلیفی بس مهم دارد، و از جمله وظایف آن لزوم فوری وضع قواعد برای املائی فارسی است یعنی مرتفع ساختن عیب‌ها و نقص‌های همین خط که امروز بدان کتابت می‌کنیم و به داشتنش افتخار و مباهات داریم. من در اصل خط، سخنی ندارم و از کسانی هستم که تغییر آن را نه تنها غیر لازم بلکه بسیار زیان‌آور می‌دانم. سخن من در رفع نقص‌ها، اصلاح طریقه و رسم نوشتن و لزوم فوری تحت قاعده و قانون در آوردن همین خط است" (همان، ص ۴۶).

"مهم‌ترین اشکال اصلی و جوهری خط ما این است که برای تمام حرکت‌ها حرف مخصوص ندارد. اشکال اصلی و اساس دیگر اینکه در خط فارسی حرف‌های هر یک واژه، متصل به هم نوشته می‌شود و شکل برخی از قبیل عین و غین و فاء و قاف در وقت اتصال تغییر کلی می‌یابد. دشواری دیگر وجود رسم الخط‌های مختلف است که در نوشتن برخی از واژه‌ها معمول شده و هرج و مرج غریبی در خط ایجاد کرده است، مثلاً "طهران" را بعضی به تاء و بعضی به طاء می‌نویسند" (همان، ص ۵۳).

خیام‌پور (۱۳۳۸، ص ۹۲) بنا به گفته خود تلاش دارد طرح پیشنهادی خود را با در نظر گرفتن کمترین عیب‌ها در سه ماده که ماده اول آن دارای چهار تبصره است ارائه دهد. بدین گونه که: در ماده اول، درباره وصل و فصل می‌نویسد هر واژه‌ای واحد و مستقل است و بنابراین اجزای آن باید به همدیگر پیوسته و خود آن از واژه‌های دیگر جدا نوشته شود. در ماده دوم، درباره حذف، سخن اینگونه می‌رود که گذشته از حذف همزه وصل، که موارد آن در ماده اول در تبصره چهارم توضیح داده شده است، همزه قطع نیز در بعضی جاها حذف گردد. در ماده سوم- در اینکه رسم خط عربی را تا چه حدی باید مراعات کرد می‌نویسد پیروی ما از خط عربی فقط در عبارات و الفاظ متأثر از نحو عربی و حرف‌های ملفوظی از آن زبان خواهد بود که در فارسی نیست.

دولت‌آبادی (۱۳۳۸، ص ۲۳۰) در نقد مقاله خیام‌پور می‌نویسد: "اگر نتوانیم الفبای کنونی را به لاتین برگردانیم و ناگزیر باشیم که تا مدتی با این خط معیوب به حیات علمی و ادبی خود ادامه دهیم باید به اصلاح نسبی آن همت گماریم و یا برای جلوگیری از هرج‌ومرج موجود و یکنواخت ساختن رسم خط طرح‌های نو بریزیم. مسلم است که اصول و قوانین هر قدر کمتر استثنا داشته باشد بیشتر استقبال می‌شود؛ نباید فریفته زیبایی و کوتاهی واژه شویم و علت‌های منطقی را فدای آن سازیم چون این عمل تولید استثنای بیشتری می‌کند و از رواج طرح می‌کاهد" (دولت‌آبادی، ۱۳۳۸، ص ۲۳۰).

نظر دولت‌آبادی در مورد زیبایی واژه این است که "اگر همه جا کوتاهی و زیبایی واژه را رعایت کنیم و تابع علت‌های منطقی نباشیم و بگوییم که رسم خط فارسی نوعی نقاشی است این خود بحثی است؛ ولی ما واژه‌هایی داریم که ۶ تا ۸ حرف آن به هم اتصال یافته و در نتیجه تکرار و عادت، زشتی خود را از دست داده است و سر هم نوشتن واژه‌هایی از قبیل سخن‌شاس، شاه‌پسند، خون‌بها، صاحب‌نظر و... به نظر اینجانب نه تنها لطمه‌ای به زیبایی خط وارد نمی‌سازد بلکه از استثنا کاسته و بر اهمیت طرح می‌افزاید" (همان، ص ۲۳۱).

نفیسی (۱۳۴۲، صص ۲۲-۲۳) با آوردن نمونه‌هایی پنج عیب این خط را برمی‌شمارد و اینگونه می‌نگارد: "عیب‌جویی از خط فارسی تازگی ندارد. ادیب و مورخ معروف ایرانی ابوعبدالله حمزه بن حسن اصفهانی که در میان

سال‌های ۳۵۰ و ۳۶۰ هجری در گذشته است بیش از هزار سال پیش از ما به عیب‌های بسیار این خط برخورد و کتاب مبسوط و مستقلی به زبان تازی در این زمینه نوشته است به نام "کتاب التنبیه علی حدوث التصحیف". حتی کسانی که در نگاه داشتن این خط کنونی تعصب می‌ورزند، نمی‌توانند منکر شوند که این خط پنج عیب اساسی دارد؛ بدین گونه: ۱- ظاهراً چنین به نظر می‌آید که در خط کنونی اگر همزه را به حساب بیاوریم، تنها شامل ۳۳ حرف است. اما اگر درست بیندیشیم، می‌بینیم که چون ۷ حرف آن به دو شکل یعنی تنها و در آخر واژه نوشته می‌شود و ۲۶ حرف آن را به چهار شکل مختلف یعنی تنها و در آغاز و میان و پایان واژه می‌نویسند، ۱۰۴ شکل مختلف پیدا می‌کند. در حقیقت، الفبای امروزی مرکب از ۱۲۸ علامت است. ۲- همه فارسی‌زبانان از نخستین روزی که واژه‌های تازی وارد زبان ما شده است، همیشه حرف‌های عربی را عیناً مانند حرف‌های فارسی تلفظ کرده‌اند و به هیچ وجه تفاوتی در میان "ث" و "ص" و "س" و "ز" و "ذ" و "ض" و "ظ" و "ت" و "ط" و "ح" و "ه" نگذاشته‌اند. ۳- اشکال دیگری که در خط کنونی هست این است که ۲۸ حرف این خط با کم و زیاد شدن نقطه و بالا و پایین گذاشتن آن و گذاشتن یک یا دو سرکش با هم اشتباه می‌شود. ۴- عیب دیگر این خط این است که برخی از حرف‌ها به یکدیگر پیوسته می‌شوند و برخی نمی‌پیوندند و در نتیجه بارها می‌شود که حتی ورزیدگان در زبان فارسی باید جمله‌ای را چند بار بخوانند تا بدانند جایی که حرفی قطع شده در میان واژه است و یا در پایان آن و به همین جهت برخی که تفنن می‌کنند، دو واژه را که نباید به هم متصل کرد به یکدیگر وصل می‌کنند و خواننده را دچار زحمت می‌کنند. ۵- بزرگ‌ترین عیب این خط این است که بجز "آ"، صداهای دیگری در زبان ما وجود دارد که برای آنها علامتی ندارد؛ به عنوان مثال برای کسره و ضمه علامت نداریم و برای صدای "او" و "واو" می‌نویسیم که خود جزء همخوان‌ها است و برای "ای" یاء می‌نویسیم که آن نیز جزء همخوان‌ها است" (نفیسی، ۱۳۴۲، صص ۲۲-۲۳).

نفیسی برای رفع این دشواری عقیده چهار گروه مختلف را معرفی می‌نماید: "۱- گروهی عقیده داشته‌اند که باید یکی از خط‌های پیش از اسلام را که ایرانیان برای زبان‌های ایرانی به کار برده‌اند دوباره در ایران معمول کرد. ۲- گروه دیگر معتقد بوده‌اند که همین خط کنونی را باید اصلاح کرد و نقص‌های آن را از میان برد و هرچه ندارد بر آن افزود این کار هم شدنی نیست. ۳- گروه سوم معتقد بوده‌اند که از الفبای مختلف باید ترکیبی کرد و الفبای مخصوصی برای زبان فارسی فراهم آورد. این کار هم درست نیست. ۴- گروه چهارم، که دلیلشان استوارتر و پیشنهادشان آسان‌پذیرتر است، عقیده دارند که همان ۲۵ حرف الفبای لاتین کاملاً نیازمندی‌های زبان فارسی را بر می‌آورد و حاجت به گرفتن حرف‌های دیگری از خط روسی یا یونانی و یا ارمنی نیست. در زبان فارسی هنگامی که هشت حرف مخصوص زبان تازی را که فارسی‌زبانان تلفظ نمی‌کنند کنار بگذاریم، ۲۸ حرف



لازم داریم و تنها سه علامت باید بر حرف‌های الفبای لاتین بیفزاییم تا کاملاً نیازمندی‌های زبان فارسی را برآورد" (همان، ص ۲۶).

جعفری (۱۳۵۱، صص ۳۳-۳۴) اصلاح خط را به تغییر آن ترجیح می‌دهد و می‌نویسد: "استدلال کسانی که می‌خواهند خط فارسی را به لاتین تغییر دهند چنین است که نوشتن با خط فارسی مشکل است و به همین سبب هم نویسنده برای نگارش یک مقاله یا یک کتاب باید نکته‌های زیادی را از نظر املائی واژه‌ها مراعات کند و جایگزین شدن خط لاتین می‌تواند این مشکل را برطرف کند. استدلال دیگر این است که زبان فارسی تابع خط فارسی است و باید برای اندیشیدن نیز از آن تبعیت کرد. نکته دیگر اینکه، خطی که اکنون در زبان فارسی برای نوشتن مورد استفاده قرار می‌گیرد، چیزی مرکب از خط عربی و فارسی است و به همین دلیل هم باید از صرف و نحو عربی برای درست نوشتن اطلاع کامل داشت. زبان فارسی تابع خط نیست؛ بلکه این خط است که تابع زبان است. در مورد ترکیب خط فارسی و عربی نیز باید گفت که این مسئله در مورد ترکیب زبان‌های دیگر فارسی و زبان‌های غیر فارسی مصداق دارد. اگر چنین استدلالی را بپذیریم باید این خط‌ها را هم به لاتین تبدیل کرد. تنها راه این است که راه‌حل تازه‌ای بیابیم؛ راه‌حلی که عملی باشد و تا زمانی که این راه‌حل پیدا نشده است تنها راه این است که باید با ادبیات کهن ایران آشنایی بیشتری حاصل کرد و نکته‌هایی را که از نظر نگارش مطرح می‌شود مورد تعمق و اندیشه قرار داد. تا جایی که ممکن است از حرف‌های عربی دوری جست و باید افزود که خط عربی نیز خود از خط کوفی مشتق شده است و خط کوفی خود از خط پهلوی (دین دبیره) گرفته شده است" (جعفری، ۱۳۵۱، صص ۳۳-۳۴).

طیب (۱۳۷۱، ص ۱۶) وجود عیب و نقص در خط را مختص خط فارسی نمی‌داند و می‌نویسد: "تمامی خط‌ها به طور طبیعی، کم و بیش دارای عیب‌ها و نقص‌هایی هستند که موجب می‌شود نتوانند نقش اصلی خود را که نمایش دقیق و کامل صور ملفوظ زبان است، ایفا نمایند. خط فارسی نیز از این عیب‌ها مبرا نیست. برخی از نقص‌های خط موجب می‌گردد که برای چند صورت ملفوظ متفاوت زبان، صورت مکتوب واحد داشته باشیم. این پدیده در این مقاله "همنگاری" نامیده شده و در تعریف نوعی دست‌انداز در مسیر عادی قرائت است و گاهی موجب اختلال و حتی اشتباه در مطالعه و در نتیجه در درک مطلب می‌گردد. آگاهی قبلی از موارد هم‌نگاری خط فارسی، کار آموزش قرائت فارسی را تسهیل می‌نماید. همچنین در مورد آموزش فارسی به خارجی‌ان و ترجمه از زبان فارسی به دیگر زبان‌ها مؤثر می‌باشد" (طیب، ۱۳۷۱، ص ۱۶). این مقاله گزارش نتیجه پژوهشی است که در زمینه "هم‌نگاری واژگانی" خط فارسی انجام گرفته است. در این بررسی فهرست نسبتاً کامل هم‌نگارهای

واژگانی فارسی که بالغ بر ۳۱۰ مورد است ارائه گردیده و سپس بر حسب عوامل مختلف آن طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

یکی از مواردی که حق‌شناس (۱۳۷۴، صص ۳۱-۳۲) در این مقاله به آن اشاره دارد عدم وجود نشانه واحد و ثابت برای "همزه" است: "آنچه در آواشناسی و واج‌شناسی فارسی ذیل عنوان یگانه همزه مطرح می‌شود، در الفبای فارسی با سه نشانه متفاوت بازنموده می‌شود: یکی نشانه "عین" که خود چهار شکل متفاوت دارد، آن گونه که در واژه‌های "عمد"، "معمول"، "شمع" و "شرع" مشاهده می‌کنیم. دیگری نشانه "الف" که باز خود دو شکل مختلف دارد؛ به گونه‌ای که در واژه‌های "ابر" و "آب" و همچنین "مرآت" می‌بینیم. و سوم نشانه "ء" موسوم به "همزه" که این نیز، به نوبه خود، چهار شکل متفاوت دارد به گونه‌ای که در واژه‌های "جزء"، "رئیس"، "مؤید" و "تأسف" می‌بینیم. درخور توجه است که نشانه اخیر (یعنی "همزه") اگر به تنهایی به کار رود (آن گونه که در "جزء") در زمره علائم زیر و زبری به شمار می‌آید؛ اما اگر همراه با کرسی‌های "یاء"، "واو" و "الف" به کار رود در فهرست حرف‌های الفبا قرار می‌گیرد" (حق‌شناس، ۱۳۷۴، صص ۳۱-۳۲).

به گفته حق‌شناس، "نشانه‌های الفبایی همزه در فارسی اولاً بسیار متعدداند، ثانیاً بسیار نامتناسبتند، و ثالثاً در دستگاه الفبایی فارسی بسیار پراکنده و دور از یکدیگرند. از این گذشته نشانه‌های مزبور هر یک دامنه کاربرد معینی دارند؛ به طوری که نمی‌توان آنها را به جای یکدیگر به کار برد. به تعبیری می‌توان گفت که نشانه‌های مزبور با یکدیگر در توزیع تکمیلی هستند. بدیهی است که هم تعدد نشانه‌های همزه می‌تواند برای فارسی‌زبانان مشکل‌آفرین باشد، هم عدم تجانس آنها، هم پراکندگی آن نشانه‌ها و هم دامنه کاربرد آنها. با این همه، مشکلات ناشی از هیچ یک از ویژگی‌های چهارگانه بالا چندان نیست که نتوان بر آنها فائق آمد. وانگهی ویژگی‌های چهارگانه یادشده به هیچ روی مختص همزه نیست؛ بلکه همین ویژگی‌ها، مثلاً در واج /z/ نیز به چشم می‌خورد" (همان‌جا).

غلامحسین زاده در نقد دستور خط فرهنگستان اینگونه می‌نگارد: "فرهنگستان زبان و ادب فارسی پس از شش سال بحث و بررسی، سرانجام در اسفند سال ۱۳۷۸ متن پیشنهادی خود را برای دستور خط فارسی منتشر کرد و به نظرخواهی عمومی گذاشت. این دستور اگر چه نسبت به پیش‌نویس قبلی آن و شیوه‌نامه‌های موجود در جامعه، شیوه نسبتاً معتدل‌تری دارد، دارای نقص‌ها، نارسایی‌ها، ناهماهنگی‌ها و نادرستی‌هایی است که تعداد آنها نزدیک به شصت مورد است. اشکال‌های متن منتشر شده، در فصل ویژگی‌های خط فارسی بیشتر مربوط به توضیحاتی است که به صورت ناقص بیان شده است. در فصل نشانه‌های خط فارسی مهم‌ترین اشکال مربوط به

ترتیب الفبای فارسی است که همزه را بر "آ" مقدم کرده است. اشکال‌های فصل مربوط به املای بعضی از واژه‌ها و پسوندها و پیشوندها بیشتر مربوط به ناهماهنگی قواعد و نارسایی آنها در توصیف تمام مصادیق همانند است. اشکال‌های فصل شناسه‌های فعلی-م، -ی، -یم، -ید، -ند مربوط به اختلاط قواعد مربوط به سایر شناسه‌های پنجگانه فعلی است. اشکال‌های فصل ضمیرهای ملکی و اضافی و مفعولی و فصل یای نکره و مصدری و نسبی نیز مربوط به نقص شمول قواعد است. اشکال‌های فصل قواعد همزه بیشتر از نوع هماهنگی در ارائه قواعد، بیان قواعد متعدد و خروج از معیار روش معمول در عرف خط فارسی است. اشکال‌های فصل واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی نیز بیشتر از نوع ناقص بودن قواعد است. فصل واژه‌های مرکب، فصلی است که بیشترین اشکال‌های دستور خط فرهنگستان مربوط به این فصل است؛ و مهم‌ترین آن پیروی نکردن از منطق علمی خط و زبان و در نتیجه پدید آمدن ناهماهنگی‌های فراوان است. علاوه بر مواد یاد شده، نکته‌های مورد اختلاف فراوان دیگری نیز در خط فارسی وجود دارد که در این دستور خط تکلیف آنها روشن نشده است" (غلامحسین‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵).

هندی با دسته‌بندی واژه‌ها، در باب پیوسته‌نویسی و جدانویسی می‌نویسد: "نظر به اینکه می‌توان واژگان فارسی را از یک حیث، به دو قسم عمده بسیط یا ساده و مرکب یا پیوندی تقسیم کرد، مشکلی در نوشتن واژه‌های مرکب نیست اما از آنجایی که واژه‌های مرکب واژه‌هایی هستند که از دو یا چند تک‌واژ ساخته شده‌اند، در حکم بسیط‌اند و بر دو گونه "اسمی" و "فعلی" اشمال دارند. این قسم از واژه‌ها خود به دو دسته بزرگ و متمایز قابل انقسام‌اند: ۱- آن دسته‌ای که هر یک از تک‌واژه‌هایشان در زبان فارسی به تنهایی کاربرد دارد و ما آنها را "غیرترکیب‌وند" می‌خوانیم. روشی که برای این دسته از واژه‌های مرکب پیشنهاد می‌شود، جدانویسی است. به راحتی می‌توان هر تک‌واژ اینگونه واژه‌ها را در همه جا و همیشه منفصل نوشت. مانند: فرهنگ‌سرا = فرهنگ + سرا. ۲- دسته دوم واژه‌هایی‌اند که دست‌کم یکی از تک‌واژه‌هایشان به تنهایی کاربرد ندارد و آنها را در اصطلاح "ترکیب‌وند" می‌خوانند. شیوه‌ای که برای این دسته از واژه‌های مرکب توصیه می‌شود پیوند تک‌واژ مستقل به تک‌واژ مستقل است. مانند: ساختمان = ساخت + مان" (هندی، ۱۳۸۱، ص ۲۹-۳۰).

هندی معتقد است که "اولاً مفهوم و کلیت جمله مانع از اشتباه در خواندن اینگونه واژه‌ها خواهد شد. ثانیاً رعایت "نیم‌فاصله"ی تک‌واژه‌ها خصوصاً در نوشته‌های ماشینی، موجبات پرهیز از بدخوانی را فراهم می‌آورد. ثالثاً حتی اگر بدخوانی برخی از مرکب‌های جدانویسته را گریزناپذیر بپنداریم، عقلانی و عقلایی است که بهره‌برتر یعنی قانون‌مندی در کتابت واژه‌های مرکب را برگزینیم و در پاسخ به ناآشنایی فارسی‌زبانان با ظاهر برخی از

مرکب‌های منفصل باید گفت در صورت استعمال این روش، با گذشت دوره‌ای چندساله، آن ناآشنایی و غربت به آشنایی و الفت بدل خواهد شد و چشم‌ها با آن انس خواهند گرفت" (همان‌جا).

ضیا پژوهش‌های انجام شده در رفع نقص‌های خط‌های دیگر را با پژوهش‌های انجام شده در خط فارسی مقایسه می‌کند و می‌نویسد: "باید نوشتار، خواندن و فهم آن را آسان کند. باید برای حرف‌های هم‌صدا چاره‌ای اندیشید تا نوشتار هم آسان شود. خواننده کم‌سواد "گرد و گرد و گرد" را چگونه بخواند؟ نشانه‌گذرای آوا "هجا" در نوشتار فارسی مرسوم نیست، و بهتر است که نباشد. زیرا بر کثرت نقطه‌ها، که خود دشواری دیگری است، می‌افزاید. دشواری نوشتار در زبان‌های دیگر، از جمله فرانسوی و انگلیسی هم وجود دارد، اما در پی رفع آن هستند. ما چه کرده و چه می‌کنیم؟" (ضیا، ۱۳۸۱، ص ۷۹۵)

ضیا در ادامه می‌نویسد: "وقتی بود که "حضرت مستطاب‌عالی" را هم سر هم می‌نوشتند، امروز "آموزش‌گاه" و "هم‌کار" را هم جدا می‌نویسند. برخی می‌گویند اسم است و جدانویسی آن خطاست، بعضی ایراد می‌گیرند که واژه ترکیبی است. تازه آموزش یافته‌ها، نوشته‌های ادبی دو نسل پیش را نمی‌توانند به راحتی بخوانند، و درس‌خوانده‌های دیروزی با جدانویسی امروزی ناآشنا هستند. نسل آینده سردرگمی بیشتری خواهد داشت. زیرا پراکندگی سلیقه‌های نوشتاری سبب آزار آنان خواهد شد. اکنون رایانه، یا کامپیوتر، در بسیاری از زبان‌های زنده، یار و همکار نویسنده است. دستور زبان و املا و انشای نویسنده را، بنا بر مفهوم ادبی، رسمی، گزارشی، یا دوستانه، می‌سنجد و برای هر واژه چندین مترادف و گاهی جمله‌بندی متفاوت، پیشنهاد می‌کند. اما رفتار ما با کامپیوتر هنوز ابتدایی است. ما از نرم‌افزارهای پیشرفته فارسی تنها همان بهره‌برداری را می‌کنیم که از نرم‌افزارها و کامپیوترهای پانزده سال پیش می‌کردیم. هنوز حتی در دیکته و املا هم به ما کمک نمی‌کند. چند سال پیش یکی از سازنده‌های نرم‌افزار فارسی در خارج از کشور خطایاب املاپی را آغاز کرد که اگر دنبال می‌شد، قدم اساسی در این راه بود. با وجود اینکه بر اثر این ابتکار بهره فراوان برد، به بهانه کثرت واژه‌های ترکیبی و هم‌چنین اشکال گوناگون جدانویسی و پیوسته‌نویسی و دست‌آویزهای دیگر، از آن دست کشید و گروهی را سر درگم گذاشت" (همان، صص ۷۹۵-۷۹۶).

ضیا بر این باور است که فرهنگستان ایران، که واژه‌های فارسی رسا برای بسیاری از ابزارهای جدید ارائه می‌دهد، باید با شتاب شیوه فارسی‌نویسی را سامان دهد و باتوجه به نیاز گسترش سریع رایانه در سطح جامعه، نقطه پایان بر این آشفتگی بگذارد. باید باور داشت که رایانه نه تنها از دیدگاه‌های مختلف مورد نیاز است، بلکه گریزناپذیر است.